



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از مسائلی که در صوم و صلاة مورد بحث است مسئله ملازمه بین قصر صوم و قصر صلاة می باشد؛ **إِذَا قَصَّرْتَ أَفْطَرْتَ وَإِذَا أَفْطَرْتَ قَصَّرْتَ**، این روایت دلالت دارد بر اینکه بین قصر صوم و قصر صلاة ملازمه ای وجود دارد (چون در نماز کلمه قصر بکار رفته لذا در صوم هم می گوئیم قصر الصوم) یعنی در هر سفری که صلاة قصر است روزه را باید بخورد. دو خبر بر این مطلب (ملازمه بین قصر صوم و قصر صلاة) دلالت داشت، یکی خبر اول از باب ۴ از ابواب من یصح منه الصوم بود (صحیحہ معاویة بن وهب)، خبر این است: **«محمدين علی بن الحسين بإسناده عن معاوية بن وهب، عن أبي عبدالله (ع) فی حدیث قال: هذا واحد إذا قَصَّرْتَ أَفْطَرْتَ وَإِذَا أَفْطَرْتَ قَصَّرْتَ»**.

خبر بعدی خبر ۹ از باب ۵ از ابواب من یصح منه الصوم بود (موتقه سماعه)، خبر این است: **«و بإسناده عن سماعة قال: أبو عبدالله (ع): من أراد السفر فی رمضان فطلع الفجر و هو فی أهله فعليه صیام ذلك الیوم، إذا سافر لا یتبغی له أن یفطر ذلك الیوم وحده و لیس یفترق التقصیر و الإفطار، فمنذ قصر فلیفطر»**.

خوب قبلاً عرض کردیم که صاحب جواهر در ص ۶۰۴ از جلد ۱۷ جواهر فرموده اند: **«كل سفرٍ یجب قصر الصلاة فيه یجب قصر الصوم فيه و بالعکس»** بعد ایشان فرمودند که مراد عکس لغوی است نه عکس منطقی زیرا در عکس لغوی هر دو کل هستند (کل سفر یجب قصر الصلاة فيه یجب قصر الصوم فيه و کل سفرٍ یجب قصر الصوم فيه یجب قصر الصلاة فيه)، اما در عکس منطقی موجب کلیه به موجب جزئیته منعکس می شود مثل کل انسان حیوان که عکسش می شود بعض حیوان انسان، خلاصه اینکه صاحب جواهر هم در کلامش به ملازمه بین قصر صلاة و قصر صوم اشاره کرده است.

خوب و اما چند مورد را صاحب عروة ذکر کرده اند که نماز مسافر کامل است لذا باید روزه اش را نیز بگیرد؛ اول مسافری که قصد اقامه ده روز را در مکانی کرده باشد که در این صورت نمازش تمام است و باید روزه اش را نیز بگیرد، دوم مسافری که سی روز در محلی مانده و قصد اقامه نکرده در روز سی و یکم نمازش تمام است و باید روزه اش را نیز بگیرد، سوم کثیرالسفر می باشد البته مسئله اختلافی است و ایشان

طبق مبنای خودشان فتوی داده اند البته مبنای ما هم همین است. کثیرالسفر مسافری است که اولاً از ابتدا قصد داشته باشد که سفرهای متعدد انجام بدهد نه اینکه بخواهد به صورت اتفاقی سفر کند و ثانیاً برای انجام شغلی مسافرت کند (مثل طبابت و تجارت و امثال اینها) یعنی شغلش در سفر انجام می گیرد، و اما کثیرالسفر در سفر اول باید نمازش را شکسته بخواند و روزه هم نمی تواند بگیرد ولی از سفر دوم به بعد نمازش تمام است و باید روزه اش را نیز بگیرد و حتی در بین راه و در مقصد هم نمازش تمام است و باید روزه اش را نیز بگیرد، خوب این حکم برای کثیر السفر ثابت است تا زمانی که در مقصد قصد اقامه ۱۰ روز و در وطنش هم ۱۰ روز نمازند بنابراین اگر در وطنش ۱۰ روز بماند و یا در مقصد قصد اقامه ۱۰ روز کند نمازش شکسته می شود و نمی تواند روزه بگیرد و اگر دوباره سفر را شروع کند حکمش همان است که بیان شد (سفر اول نمازش شکسته و نمی تواند روزه بگیرد ولی از سفر دوم به بعد نمازش تمام است و می تواند روزه بگیرد)، صاحب عروة و ما به همین صورت که عرض شد قائل هستیم ولی همانطور که عرض کردم مسئله اختلافی است لذا حضرت امام (ره) در اینجا حاشیه دارند زیرا ایشان کثیرالسفر به صورتی که ذکر شد قبول ندارند بلکه ایشان قائلند کسی که شغله السفر است نمازش تمام است مثل خلبان و رانندگان ماشین نه اینکه شغله فی السفر، منتهی ما می گوئیم که این حکم اعم است هم شامل شغله السفر و هم شامل شغله فی السفر می شود. و اما مورد چهارم مربوط به کسی است که سفرش سفر معصیت می باشد که در این صورت نمازش تمام است و باید روزه اش را نیز بگیرد که این خود به چند صورت تقسیم می شود؛ اول کسی که اصل سفرش معصیت است مثل کسی که از زمین غصبی می رود، و دوم کسی که هدفش از سفر معصیت می باشد مثل کسی که به سفر می رود تا اینکه ظلم کند و یا دزدی کند و امثال اینها، خلاصه اینکه **العاصی بسفره طبق روایات ما نمازش تمام است و باید روزه اش را نیز بگیرد**.

خوب همانطور که عرض کردم صاحب جواهر در ص ۶۰۴ از جلد ۱۷ جواهر بحثی را مطرح کرده اند و فرموده اند که بعضی از موارد را ما چطور می توانیم توجیه کنیم؟ یکی سفر بعدازظهر صائم می باشد که در سفر بعدازظهر روزه اش صحیح است ولی اگر بخواهد در بین راه نماز بخواند نمازش قصر می باشد، ایشان در توجیه این مورد فرموده اند که در روزه ملاک قبل و بعدازظهر می باشد یعنی بعدازظهر دیگر روزه اش تمام شده است لذا می تواند سفر کند ولی نمازش را باید شکسته بخواند، البته ایشان به این صورت که بیان شد توجیه کرده اند ولی ما تابع

من الرمد أفطر». خبر سنداً صحیح می باشد و همانطورکه می بینید در این خبر خوف میزان قرار داده شده .

خبر بعدی خبر ۲ از همین باب ۱۹ می باشد، خبر این است: «و بإسناده عن سلیمان بن عمر، عن أبي عبدالله (ع) قال: اشتكت أم سلمة رحمها الله عینها فی شهر رمضان فأمرها رسول الله (ص) أن تفتقر، و قال: عشاء اللیل لعینک ردی». سند این خبر هم خوب است و همانطورکه می بینید در این خبر پیغمبر (ص) به ام سلمة می گوید اگر روزه ات را نخوری خوف آن است که دچار مرض أعشاء (شب کوری) شوی پس در این خبر هم ملاک خوف قرار داده شده .

خوب حالا می رویم سراغ باب ۲۰ از ابواب من یصح منه الصوم، در این باب روایات زیادی ذکر شده که بعضی از آنها قوت و ضعف مریض را میزان قرار داده و بعضی دیگر بحث ضرر را مطرح کرده و در بعضی دیگر گفته شده؛ هو أعلم بنفسه یعنی خودش از حالش خبر دارد و بهتر از هرکس می داند که روزه برایش ضرر دارد یا نه، خوب در دو خبر قوت و ضعف ملاک قرار داده شده اول خبر ۳ از این باب ۲۰ می باشد، خبر این است: «محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس (عن شعیب)، عن محمد بن مسلم قال: قلت لأبی عبدالل (ع) ما حدّ المریض إذا نقه فی الصیام؟ فقال: ذلک إلیه هو أعلم بنفسه، إذا قوی فلیصم». خبر سنداً صحیح می باشد و همانطورکه می بینید در این خبر قوت و ضعف میزان قرار داده شده، بقیه روایات را انشاء الله فردا می خوانیم....

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله

علی محمد و آله الطاهرین

روایات اهل بیت (ع) هستیم. یکی دیگر از مواردی که ایشان ذکر کرده اند اماکن اربعه ای است که انسان در آنها مخیر است که نمازش را شکسته یا تمام بخواند (شهر مدینه و شهر مکه و زیر حائر حسینی (ع) و مسجد کوفه)، خوب در این اماکن اربعه مسافر نمازش را می تواند تمام بخواند ولی نمی تواند روزه بگیرد، ایشان باز این مورد را نیز به این صورت توجیه کرده اند که قاعده ملازمه که می گوید إذا قصرت أفطرت یعنی هرکجا که قصر واجب شد باید افطار کند و هرکجا که قصر واجب نباشد نباید افطار کند و این وجوب اعم از وجوب تعیینی و تخییری است و در این اماکن اربعه هم قصر و هم اتمام وجوب تخییری دارند و در هرجایی که قصر وجوب تخییری دارد باید روزه اش را بگیرد، البته این توجیه هم مشکل است علیّی حال ما تابع روایاتمان هستیم و در روایاتمان همان چهار موردی که در کلام صاحب عروة بود به صورت یک قاعده کلی ذکر شده اند ولی گاهی از اوقات این موارد تخصیص می خورند مثل سفر در بعد از ظهر یا اماکن اربعه که ذکر شد .

(السّادس): عدم المرض أو الرمد الذی یضره الصوم لإیجابہ شدته أو طول برئه أو شدّة ألمه أو نحو ذلک سواء حصل یقین بذلک أو الظنّ بل أو الاحتمال الموجب للخوف بل لو خاف الصحیح من حدوث المرض لم یصح منه .

ششمین از شرایط صحت صوم همانطورکه در عبارت عروة آمده عدم مرض می باشد یعنی اگر مرضی مثل درد چشم عارض شود که مانع از صوم باشد نباید روزه بگیرد، خوب حالا گاهی انسان یقین دارد که اگر روزه بگیرد مرضی بر او عارض خواهد شد یا مرضی که دارد طولانی خواهد شد یا شدت خواهد گرفت که خوب در صورت یقین معلوم است که می خورد و روزه نمی گیرد، و گاهی انسان ظن و گمان دارد و گاهی هم احتمال می دهد که در هر سه صورت صاحب عروة می فرمایند که باید روزه اش را بخورد البته در مورد احتمال اولاً باید احتمالی باشد که منشأ عقلایی داشته باشد مثل اینکه به طبیعی مراجعه کند و او بگوید روزه برایش ضرر دارد و ثانیاً باید احتمالی باشد که موجب للخوف یعنی بترسد که اگر روزه بگیرد مرضی بر او عارض شود و یا مرضش شدت پیدا کند بنابراین معیار و میزان طبق آنچه که در روایات ما آمده خوف و ترس می باشد .

خوب و اما روایاتی درباره این مسئله (بحث خوف) داریم که باید آنها را بخوانیم تا مسئله روشن شود، خبر اول خبر ۱ از باب ۱۹ از ابواب من یصح منه الصوم می باشد، خبر این است: «محمد بن علی بن الحسین بإسناده عن حریر، عن أبي عبدالله (ع) قال: الصائم إذا خاف علی عینیه